

کلیدواژه آمریکازدایی که از **سوی رهبر انقلاب طرح ششد** به بروز چه تحولی در منطقه غرب آسیا اشاره دارد و چه تغییراتی در سیاست‌ها و رفتار دولت‌های منطقه درباره سیاست‌های ایالات متحده بروز یافته است؟

اصطلاح آمریکازدایی شاید پیش از این استفاده نشده بود و نکتاتی که واقیعت دارد و البته رهبر انقلاب هم پیش‌تر به آن اشاره کرده بودند، پایان سلطه آمریکا در منطقه غرب آسیا است.

کشورهای منطقه می‌توانند با سایر کشورهای دیگر در سراسر دنیا روابط دیپلماتیک داشته باشند، یا مثلاً روابط اقتصادی همه‌جا مرسوم هست و با آمریکا هم می‌شود روابط اقتصادی برقرار کرد؛ اما آن چیزی که نسبت به گذشته تغییر کرده، این است که یک زمانی فروپاشی شوروی تعداد قابل توجهی از کشورهای منطقه بدون اجازه آمریکا کاری نمی‌کردند و سلطه آمریکا در این کشورها کامل بود، بعد از فروپاشی شوروی آن کشورهای هم که کمپبیش در این منطقه همراه و همسو با شوروی بودند، آن‌ها هم غالباً با آمریکا همراه شدند، یک نمونه آن یمن است که این اتفاق برایش رخ داد.

اصطلاح زردون یک بار معنایی دارد، این اصطلاح درواقع همان شیطان‌زدایی است که در بیانات حضرت امام خمینی رحمه‌الله هم بود که آمریکا شیطان بزرگ است، وقتی در یک منطقه‌ای نفوذ آمریکا کاهش پیدا می‌کند، افولش تسریع خواهد شد و آن منطقه به سمت آمریکازدایی حرکت می‌کند.

آمریکازدایی‌به این‌معنی است که حرف آمریکایی‌ها دیگر در این منطقه تعیین‌کننده نیست و قدرت آمریکایی‌ها در این منطقه از کسی، دولتی یا کشوری نمی‌تواند حفاظت کند. اگر حمایت

آمریکازدایی به این معنی است که حرف آمریکایی‌ها دیگر در این منطقه تعیین‌کننده نیست و قدرت آمریکایی‌ها در این منطقه از کسی، دولتی یا کشوری نمی‌تواند حفاظت کند. اگر حمایت آمریکا برای حفاظت از جایی کافی بود، رژیم صهیونیستی در وضعیتی که الان دارد قرار نمی‌گرفت و این‌طور ضربه نمی‌خورد.

آمریکا برای حفاظت از جایی کافی نبود، رژیم صهیونیستی در وضعیتی که الان دارد قرار نمی‌گرفت و این‌طور ضربه نمی‌خورد.
آمریکا در مقابسه با دهه‌های قبل نفوذ و سلطه طوفان الاقصی چه تاثیری بر این موضوع گذاشته است؟

در حال حاضر نکتۀ قابل توجه این است که سلطه گذشته آمریکا در منطقه دیگر وجود ندارد و در برخی از کشورها هم به سبک سابق دیگر خبری از آن سلطه نیست. خیلی از این کشورهایی که در منطقه ما هستند متوجه شدند که اولاً وابستگی صدردارند، و آمریکا بودن کار عاقلانه‌ای نیست؛ ثانیاً تمام تلاش و هم‌وغم آمریکایی‌ها این استس که سلطه خودشان را حفظ کنند؛ منتها آن روند افول آمریکا که رهبر انقلاب هم به دفاعت مورد تأکید قرار داده بودند، در حال رخ‌دادن است و عملیات طوفان‌الاقصی این روند افول را تسریع کرده است.

به عبارت بهتر عملیات طوفان‌الاقصی نه تنها ضعف‌های ریشخالی و گسترده رژیم صهیونیستی را آشکار کرد، بلکه ضعف‌های آمریکا را نیز عیان کرد. به دلیل این‌که در این موضوع، رژیم صهیونیستی با آمریکاقابل تفکیک‌نیستند نه در حوزه نظامی تفکیکی بین نظامیان اسرائیلی و آمریکایی وجود دارد، و نه در حوزه اطلاعاتی، در حوزه سیاسی و فرهنگی نیز همین مصداق وجود دارد. بنابراین افول آمریکا دارد

اشاره: آقای «میگل دیاز کائل» رئیس‌جمهور کوبا و هیئت همراه در روزهای ابتدایی آذرماه امسال به تهران سفر و با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی دیدار کردند. ملاقاتی که دو دهه بعد از سفر فیدل کاسترو به ایران صورت گرفت. رهبر انقلاب در این دیدار با اشاره به ظرفیت‌های فراوان سیاسی و اقتصادی و کشور تأکید کردند: «باید از این ظرفیت‌های برای تشکیل یک اتحاد و ائتلاف میان کشورهای که در قبال زورگویی‌های آمریکا و غربی‌ها دارای موضع یکسنان هستند، استفاده شود.»
۱۴۰۲/۰۹/۱۲

رسانه KHAMENEI.R به همین مناسبت در گفت‌وگو با آقای سید محمدهادی سبحانی، سفیر جمهوری اسلامی ایران درهوانا، نگاهی به نکات مطرح شده در دیدار رئیس‌جمهور کوبا با رهبر انقلاب و سباقه و فرصت‌های موجود در روابط دو کشور داشته است.

پاتوجه به اینکه رئیس‌جمهور کوبا به ایران بعداز ۲۲ سالسال اتفاق افتاد، ابتدا درباره تاریخچه روابط جمهوری اسلامی ایران و کوبا توضیح فرمایید.
فلورین می‌دلم‌اینا از آن نکته شروع کنم که در قیل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رهبران انقلابی کوبا برای انقلابیون ایران کاملاً شناخته‌شده بودند، چون می‌دانید که انقلاب کوبا در سال ۱۹۵۹ میلادی به رهبری فیدل کاسترو و به پیروزی رسید و یک رژیم وابسته به ایالات متحده به نام بایستوسا را سرنگون کرد. در همان موقع شخصیت‌های مثل فیدل کاسترو و چوگارا در ایران برای انقلابیون شناخته شده بودند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در چند نوبت با آقای کاسترو ملاقات‌هایی داشتند. یک ملاقات در همان سفر ۲۲ سال پیش، در اردیبهشت ۱۳۸۰ در تهران انجام شد. یک ملاقات هم در حاشیه اجلاس سران عدم تعهد در ژنیهوبه در سال ۱۳۶۵ بوده است، در آن دیدار رهبر معظم انقلاب فرمودند علی‌رغم فاصله‌های بسیار زیاد، ما در نظر داریم، منی‌توانیم روابط بسیار خوبی با همدیگر داشته باشیم. می‌دانید که بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، اولین هیئت سیاسی که جمهوری اسلامی به خارج از کشور اعزام می‌کند، به کوبا بوده است. وزیر خارجه وقت در هوانا با آقای فیدل کاسترو ملاقات می‌کند و تقاضای می‌کند که ایران به عضویت جنبش عدم تعهد دربیاید. در مدت زمان کوتاهی بعد از آن، روابط دیپلماتیک ایران مجدداً برقرار می‌گردد، بنابراین درهوانا افتتاح می‌کنیم. یعنی بیش از ۴۴ سال است که با کوبا روابط دیپلماتیک برقرار کردیم.

نکته مهمی که می‌توانم اشاره کنم این است که در طول این چهل و اندی سال ما همواره از یک رابطه سیاسی بسیار عالی با کوبا برخوردار بودیم. علتش هم مواضع مشترک دو انقلاب در مبارزه با شیطان بزرگ و امریهیلماری آمریکا و انذاب و محاربتش بود است. این مسئله، همسایگی کشوری‌ها در نظر سیاسی در

اشاره: رهبر انقلاب در دیدار بسجپیان با اشاره به شکست سیاسی غرب آسیا به نفع مقاومت تأکید کردند: «نقشه جدیدی که بر این منطقه دارد بتدریج حاکمیت پیدا می‌کند، چند خصوصیت دارد. خصوصیت اولش آمریکازدایی است.» آمریکازدایی» یعنی چه؟ یعنی نفی سلطه آمریکا بر منطقه. معنایش قطع رابطه سیاسی با آمریکا نیست؛ نه اینکه حالا ما توقع داشته باشیم یا تصوّر کنیم که دولت‌های منطقه با آمریکا قطع رابطه سیاسی کنند؛ نه، رابطه سیاسی و اقتصادی با همه دارند، با آمریکا هم دارند، داشته باشند؛ اما دیگر سلطه آمریکا روزبه‌روز رو به ضعف است؛ آنچه آمریکا در فلان کشور می‌خواست تحقق پیدا کند ــ در نفت، در سلاح، در ارتباطات گوناگون ــ دیگر بتدریج دار زایل می‌شود؛ مقدار زیادی زایل شده، بیشتر از این هم زایل خواهد شد. یک سیاستی را آمریکا از سالها پیش دنبال می‌کرد که همان سیاست سلطه بر منطقه بود، وسیله عمده این سیاست هم حمایت از رژیم صهیونیستی بود؛ هر چه بتواناد او را قوی کند، دست‌وپال او را باز کند، دیگران را تشویق کند به اینکه با

سیاسی

Siyasi@kayhan.ir

او ارتباط برقرار کنند. البتهٔ این سیاست قدیمی است، مال ده‌ها سال پیش است؛ از یکی دو دهه پیش، این سیاست را تشدید کردند، رفتند سراغ افغانستان، رفتند سراغ عراق و با اشغال اینها می‌خواستند تسلط پیدا کنند، اما! نتوانستند. امروز سیاست و جهت‌گیری در این منطقه آمریکازدایی است. یکی از نشانه‌های واضح و بارز که امروز جلوی چشمها است، همین طوفان اقصی است. بله، این طوفان‌الاقصی علیه رژیم صهیونیستی است، اما آمریکازدایی است؛ این حادثه تاریخ‌ساز. به معنای واقعی کلمه، حادثه طوفان‌الاقصی یک حادثه تاریخ‌ساز بود؛ توانست جدول سیاستهای آمریکا در این منطقه را به هم بریزد و ان‌شاءالله اگر! این طوفان ادامه پیدا بکند، جدول سیاست آمریکا در منطقه را محو خواهد کرد.»
۱۳۰۲/۰۹/۰۸

رسانه KHAMENEI.R به همین مناسبت در گفت‌وگویی با آقای دکتر فؤاد ایزدی کارشناس مسائل آمریکا به بررسی نشانه‌ها و تأثیرات آمریکازدایی از منطقه غرب آسیا پرداخته است.

گفت‌وگو با کارشناس مسائل آمریکا

آمریکازدایی یعنی حرف آمریکایی‌ها دیگر در منطقه تعیین‌کننده نیست

به قدرت گرفتن مقاومت و تغییر نقشه سیاسی غرب آسیا اشاره شد و یک غرب آسیای دیگری را ما شاهد هستیم. همان‌طور که در جنگ ۳۳ روزه با حزبالله در سال ۲۰۰۶، تصور آمریکایی‌ها این بود که در مقابله با حزب‌الله به پیروزی می‌رسند و خاورمیانه جدیدی را می‌توانند رقم بزنند، در عملیات اخیر حماس همچنین تصوری وجود داشت اما در عمل اتفاقی که افتاده این است که غرب آسیای جدیدی شکل گرفته منتها به ضرر آمریکا و به نفع مقاومت.

این نکته مهمی است که اتفاق افتاده و اصطلاح آمریکازدایی که امروز استفاده شد، اصطلاح جدید و مناسبی هست برای توضیح اتفاقاتی که این روزها دارد رخ می‌دهد. آمریکایی‌ها هرچقدر هم تلاش کنند به جایگاه قبلی برمی‌گردند و یکی از منافعی که شکست اخیر آمریکایی‌ها برای منطقه دارد، منجر به این می‌شود که بر برخی از دولت‌های منطقه هم متوجه جدی و حتمی بودن موضوع افول آمریکا شوند و با عملیات طوفان‌الاقصی، آن وابستگی و تسلیم که بتدریج داشت ایجاد می‌شد و روند عادی‌سازی روابط با اسرائیل که در انداختن برخی دولت‌ها شکل گرفته بود ضربه سنگینی خورد.

آمریکازدایی چه نسبتی با اخراج آمریکا از منطقه دارد که پیش از این از سوی رهبر انقلاب بیان شده بود؟

با همه کمک‌هایی که رژیم جعلی صهیونیستی از ابتدای اشغالگری‌اش تا به امروز از آمریکا گرفته، با همه تهدید که مقام‌های آمریکایی از جمله رئیس‌جمهور فعلی و رئیس‌جمهور سابق و همه رؤسای کشورهای عضو نسبت به اسرائیل دارند که مخاطب احساس می‌کند این تعهد، شاید کمتر به کشور خودشان داشته باشند چون یک کارهایی را دارند در اسرائیل انجام می‌دهند که قطعاً به ضرر کشور خودشان است- و با وجود همه این کمک‌ها و همه این اقدامات در نهایت نتوانستند از اسرائیل حفاظت کنند. نتوانستند از آینده مشکل‌دار اسرائیل که در انتظارش است مرادنت کنند و بالعکس به پایان آن تفکر صهیونیستی درآیند می‌شوند. پس آمریکازدایی به این معنی است که سلطه آمریکا در این منطقه رو به پایان است.

پیشنهاد دادند. به این صورت که یک کمیته مشترک بین وزارت علوم و فناوری کوبا و معاونت علمی و فناوری اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری ایجاد بشود، برای اینکه از ظرفیت‌های دو کشور استفاده بشود. مثلاً طرف کوبایی در حوزه بیوتکنولوژی و طرف ایرانی در حوزه نانو فناوری بتوانند با همدیگر تبادل علمی و فناوری داشته باشند. این به نظر من مهم‌ترین سبب بود که امضا شد.

متعالب آن رئیس‌جمهور کوبا در همین دوره که در تهران داشت، از مجموعه‌ی تولیدات شرکت‌های دانش‌بنیان در پیشنهاده دادند. به این صورت که یک کمیته مشترک بین وزارت علوم و فناوری کوبا و معاونت علمی و فناوری اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری ایجاد بشود، برای اینکه از ظرفیت‌های دو کشور استفاده بشود. مثلاً طرف کوبایی در حوزه بیوتکنولوژی و طرف ایرانی در حوزه نانو فناوری بتوانند با همدیگر تبادل علمی و فناوری داشته باشند. این به نظر من مهم‌ترین سبب بود که امضا شد. متعالب آن رئیس‌جمهور کوبا در همین دوره که در تهران داشت، از مجموعه‌ی تولیدات شرکت‌های دانش‌بنیان در

گفت‌وگو با سفیر جمهوری اسلامی ایران در هوانا

روابط ایران و کوبا یک رابطه برد – برد است

مرکز نمایشگاه‌های تهران بازدید کرد که بسیار تحت تأثیر قرار گرفت.

چه سازوکارهایی برای عملی شدن این توافقات

در نظر گرفته‌شده؟
به نکته درستی اشاره کردید. بسیاری از توافقاتی که صورت می‌گیرد نیاز به پیگیری دارد. خوشبختانه نوع توافقاتی که ما با کوبا داریم بر اساس یک سازوکار مکمل انجام می‌شود. ما همواره در توافقات با کوبا یک حالت برد-برد داریم. لذا خود این امر مهم‌ترین تضمین‌کننده اجرای شدن این توافقات است. توافقاتی نیست که به نفع یک طرف قرارداد باشد.

نکته‌بعدی کسی که ما را به اجرای این توافقات سوق می‌دهد و تشویق می‌کند، بحث اقتصاد مقاومتی است.

کشورهای تحت تحریم ظرفیت‌های بالای سیاسی و اقتصادی با هم دارند. بعضی از این کشورها در حوزه آمریکای جنوبی هستند و بعضی‌ها در آسیا و غرب آسیا هستند و بعضی‌ها در منطقه آفریقا. این کشورها هر کدام ظرفیت‌های اقتصادی خاصی از نظر منابع طبیعی و دیگر مسوارد دارند. این ظرفیت‌ها را می‌توانند با همدیگر به اشتراک بگذارند. وقتی این کشورها مبادلات تجاری با یکدیگر را افزایش بدهند این مبادلات می‌تواند تحت تأثیر تحریم‌ها نباشد، یعنی سازوکارهایی مثل تهاتر بین خودشان برقرار کنند که نیاز به دلار نداشته باشد. این نکته سبب می‌شود حاکمیت دلار در سطح جهان تضعیف بشود.

انقلاب خودشان ثبات قدم داشتند. این به نظر من نکته بسیار کلیدی است که مورد توجه رهبر انقلاب اسلامی و مسئولین کشور قرار داد.

یکی از موضوعاتی که رهبر انقلاب در دیدار رئیس‌جمهور کوبا بر آن تأکید کردند، تشکیل یک ائتلاف میان کشورهایی است که در قبال زورگویی‌های آمریکا و غربی‌ها موضع یکسانی دارند. به نظر شما همکاری در چه حوزه‌هایی می‌تواند در لویش این ائتلاف ضد آمریکایی باشد و این ائتلاف چه نوعی در مسائل جهانی می‌تواند ایفا کند؟

صفحه ۸

چهارشنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۲
۶ جمادی‌الثانی ۱۴۴۵ – شماره ۲۳۴۷۳

ضعف آمریکا کاملاً مشهود است. در حوزه تبلیغاتی واقعاً رسانه‌های آمریکایی و رسانه‌های دیگر کشورهای غربی خیلی سعی کردند به رژیم صهیونیستی کمک کنند و چهره جاینگارش را تطهیر کنند اما ناموفق بودند. هر هفته تظاهرات گسترده‌ای در همین کشورهای غربی دارد برقرار می‌شود- در کنار این تظاهراتی که در جاهای دیگر دنیا برگزار می‌شود هم یک شکست تبلیغاتی بزرگ برای آمریکایی‌ها و صهیونیست‌هاست و بازارهای مختلفی هم که داشتند، نتوانسته‌اند این شکست را ترمیم کنند.

از این جهت هیمنه تبلیغاتی و رسانه‌ای‌شان، دچار چالش شده و الان نه تنها دولت یابدن و دولت فعلی انگلیس و دیگر کشورهای غربی زیر سؤال رفتند، بلکه تمدن غرب همان‌طور که رهبر انقلاب اشاره کردند بی‌آبرو شده است. آن فرهنگی که نه تنها اجازه یک چنین جنایتی را می‌دهد بلکه حمایت صدردصدی می‌کند، مدیریت صحنه می‌کند و این یعنی زیر سؤال رفتن تمدن و فرهنگ غربی.

بعد از فروپاشی شوروی عده‌ای در غرب گفتند که این ایدئولوژی کمونیستی دیگر کارکرد ندارد. ایدئولوژی لیبرال دموکراسی تا پایان تاریخ، بشر را مدیریت خواهد کرد. الان کمتر فردی در دنیا می‌تواند بپذیرد تمدنی که به‌راحتی در چند هفته پیش از پنج هزار کودک را می‌کشد، برای آینده بشر بتواند حرفی برای گفتن داشته باشد.

ایس ۵۰ روزی که از عملیات طوفان‌الاقصی می‌گذرد یک دوره غرب‌شناسی است، یک دوره آمریکاشناسی است. غرب واقعی بدون روتوش، آمریکای واقعی بدون روتوش، فرهنگ غربی، فرهنگ

بعد از نزدیک به ۵۰ روز از آغاز جنگ، نه تنها حماس نابود نشد بلکه به این نتیجه رسیدند که برای آزادی اسیران‌شان باید با حماس مذاکره کنند و بپذیرند سهه برابر تعداد اسیرانی که حماس آزاد می‌کند اسیر آزاد کنند و همچنین با قبول آتش‌بس، توقفی در جنگ‌افروزی صهیونیست‌ها ایجاد شود. این کارها را کردند تا بتوانند به هدفشان برسند بلکه زندانی‌های خود را آزاد کنند که این موفقیت بزرگی برای حماس و مقاومت فلسطین است.

رئیس‌جمهورش به سرزمین‌های اشغالی سفر کرد، وزیر خارجه‌اش در کابینه جنگ اسرائیل حاضر شد و عملاً نقش وزیر خارجه اسرائیل را در منطقه بازی کرد. حتی آمریکایی‌ها برای مدیریت صحنه جنگ ژنرالی را رسماً منصوب کردند. واقعاً آمریکایی‌ها از هیچ حمایتی نسبت به اسرائیل دریغ نکردند، اما هنوز به هیچ‌کدام از اهدافی که اعلام کرده بودند نرسیدند. این یعنی آمریکازدایی در حوزه نظامی-سیاسی کاملاً مشهود است.

در حوزه اقتصادی هم ضربه بسیار بزرگی آمریکا خورده است و دولت یابدن همان هفته اول از کنگره درخواست داشت تا ۱۴ میلیارد دلار کمک اضافه به رژیم صهیونیستی بشود. الان که ۵۰ روز گذشته به‌خاطر انسداد سیاسی در واشنگتن و محوهای مقاومت از جمله عراق، سوریه، یمن، لبنان و… این اتفاق افتاده بود اما بعد از عملیات طوفان‌الاقصی این روند تسریع شده است و این روند آمریکازدایی باید تکمیل شود تا مردم منطقه بتوانند فضای تنفس پیدا کنند.

منطقه غرب آسیا خواهد داشت؟
اثرات موضوع آمریکازدایی تا قبل از عملیات طوفان‌الاقصی هم مشهود بود و بخشی از روند اخراج آمریکا محقق شده بود. چه در ایران و چه سایر محوهای مقاومت از جمله عراق، سوریه، یمن، لبنان و… این اتفاق افتاده بود اما بعد از عملیات طوفان‌الاقصی این روند تسریع شده است و این روند آمریکازدایی باید تکمیل شود تا مردم منطقه بتوانند فضای تنفس پیدا کنند.

منطقه غرب آسیا منطقه بسیار ثروتمندی است و این منطقه در ۸۰-۷۰ سال گذشته با دو مشکل اساسی مواجه بوده است. یک وجود آمریکا در منطقه و دو جریان‌های آمریکاگرا و غربگرا که در بعضی از این کشورهای مسلمان با کمک آمریکا سلطه پیدا کردند، افول آمریکا و آمریکازدایی از این منطقه در نهایت منطقه را به یک محیط قابل زیستی تبدیل خواهد کرد که با استفاده از منابع غنی آنسانی و نیز منابع غنی طبیعی و زیرزمینی، آینده شگفتاوار و آرام‌تری را ان‌شاءالله شاهد خواهد بود

بله، مسئله بسیار مهمی است. ببینید یک تعدادی از کشورهای دنیا، بازیگرهای بین‌المللی هستند که علاقه‌مندی استقلال داشته باشند و با مداخلات بیگانگان در امور داخلی خودشان مقابله می‌کنند، مثل جمهوری اسلامی ایران، کوبا و کشورهای دیگر. اینها یک باشگاهی را با عنوان کشورهای تحت تحریم تشکیل می‌دهند. این کشورها ظرفیت‌های بالای سیاسی و اقتصادی با هم دارند. بعضی از این کشورها در حوزه آمریکای جنوبی هستند و بعضی‌ها در آسیا و غرب آسیا هستند و بعضی‌ها در منطقه آفریقا. این کشورها هر کدام ظرفیت‌های اقتصادی خاصی از نظر منابع طبیعی و دیگر موارد دارند، این ظرفیت‌ها را می‌توانند با همدیگر به اشتراک بگذارند.

وقتی این کشورها مبادلات تجاری با یکدیگر را افزایش بدهند، این مبادلات می‌تواند تحت تأثیر تحریم‌ها نباشد، یعنی سازوکارهایی مثل تهاتر بین خودشان برقرار کنند. نیاز به دلار نداشته باشند. این نکته سبب می‌شود حاکمیت دلار در سطح جهان تضعیف بشود. لذا اینها زمینیهایی را با عنوان کشورهای تحت تحریم می‌دهند. این نکته است که کشورهای تحت تحریم را به هم نزدیک می‌کند. حالا بعضی از کشورها مثل جمهوری اسلامی ایران با کوبا مواضع انقلابی دارند. بعضی از کشورها ممکن است به دلیل مشکلاتی که دارند، یک نوع وحشی‌ی از قدرت کمپنیالیستی آمریکا داشته باشند. ولی وقتی ببینند که کشورهای دیگر به اینها کمک می‌کنند، آنها هم احساس استقلال بیشتری به دست می‌آورند و کم‌کم به نظرشان می‌رسد که ما هم می‌توانیم تأثیرگذاری خاص خودمان را در نظام بین‌الملل داشته باشیم. این نظام یک قضبی شجاعانه‌ی بیشتری داده و آنها را به انقلاب خودشان امیدوار کرده است.

نکته‌بعدی این است که کوبا در این دوره‌ای که بیش از ۶۰ سال از انقلاب آنها می‌گذرد و در این مدت درگیر تحریم‌های ظالمانه آمریکا بودند، هیچ وقت مسیر خودشان را تغییر نداده است. این نکته مهمی است که کوبایی‌ها در انقلاب خودشان ثبات قدم داشتند. این به نظر من نکته بسیار کلیدی است که مورد توجه رهبر انقلاب اسلامی و مسئولین کشور قرار داد.

یکی از موضوعاتی که رهبر انقلاب در دیدار رئیس‌جمهور کوبا بر آن تأکید کردند، تشکیل یک ائتلاف میان کشورهایی است که در قبال زورگویی‌های آمریکا و غربی‌ها موضع یکسانی دارند. به نظر شما همکاری در چه حوزه‌هایی می‌تواند در لویش این ائتلاف ضد آمریکایی باشد و این ائتلاف چه نوعی در مسائل جهانی می‌تواند ایفا کند؟

انقلاب خودشان ثبات قدم داشتند. این به نظر من نکته بسیار کلیدی است که مورد توجه رهبر انقلاب اسلامی و مسئولین کشور قرار داد.

یکی از موضوعاتی که رهبر انقلاب در دیدار رئیس‌جمهور کوبا بر آن تأکید کردند، تشکیل یک ائتلاف میان کشورهایی است که در قبال زورگویی‌های آمریکا و غربی‌ها موضع یکسانی دارند. به نظر شما همکاری در چه حوزه‌هایی می‌تواند در لویش این ائتلاف ضد آمریکایی باشد و این ائتلاف چه نوعی در مسائل جهانی می‌تواند ایفا کند؟